**بررسی ویژگی های زمان صدور اسناد تجاری در حقوق ایران وافغانستان**

نقیب الله " وقاد"[[1]](#footnote-1)

**چکیده:**

در دنیایی کنونی بسیاری از مؤسسات مالی واعتباری بانکی وغیر بانکی هستند که اقدام به صدور اسناد تجاری می نمایند، ودر عمل کاملا هوید است که این اوراق میان مردم رد وبدل می گردند، بنابراین، لازم است که ویژگی های این اسناد مشخص گردد. زیرا؛ اسناد تجاری دارای ویژگی های منحصر به فرد می باشند. سوالی که مطرح گردیده اینکه، ویژگی های زمان صدور اسناد تجاری در نظام حقوق ایران وافغانستان چیست؟ هدف این پژوهش تبیین ویژگی های زمان صدوراسناد تجاری در حقوق ایران وافغانستان است. محتویات این پژوهش، با استفاده از روش کتابخانه ای از طریق مراجعه به منابع مکتوب، جمع آوری شده وبا روش توصیفی، تطبیقی وتحلیل داده ها، مورد بررسی قرار داده شده است، یا فته های این پژوهش با محوریت نظام حقوقی ایران وافغانستان، حاکی از آن است که مطالب ارائه شده در مورد موضوع فوق در هردو نظام حقوقی انعکاس یافته وهردو نظام ویژگی های اسناد تجاری را به زمان صدور وپس از آن تقسیم نموده، رعایت این ویژگی هارا الزامی دانسته، عدم رعایت آنها را در برخی موارد موجب خروج سند از دایرده اسناد تجاری محسوب نموده اند.

**واژگان کلیدی:** سند، اسناد تجاری ، صدور، تنجیزی، وصف شکلی.

**مقدمه**

باگذشت هر روز نسبت به هرزمان دیگر جامعه انسانی پله های صعود را در عرصه تجارت باسرعت طی می کند، جهت انجام تجارت بشر شهرها کشورها وحتی گاهی قاره هارا می پیماید، وپول که یکی از ضروریات مبرم درمعاملات تجارتی است انتقال ودادوستد آن هم از لحاظ امنیتی وهم از لحاظ تخریب آن مناسب نبوده؛ از سوی دیگر،تاجران با به جریان انداختن سرمایه خود نیازبه امنیت خاطروحمایت حقوقی همگام با دواصل سرعت وسهولت دارد،امری که با استفاده ازروش های معمول درنظام حقوق مدنی قابل تأمین نیست. ازاین رو، دانشمندان واهل خرد جوامع انسانی قد علم بر جهت رفع این معضل نمودند، تا اینکه اسناد تجارتی را جهت رفع معضلات مذکور وسهولت برای همه افراد جوامع بخصوص تجار ایجاد نموده و ویژگی های را جهت کاستن معضلات وضع نموده اند.

اسناد که جمع سند است در لغت چیزی است که بدان اعتماد کنند ویا نوشته ای است که در مقام دعوی یا دفاع برای اثبات چیزی قابل تمسک واستفاده باشد ودر اصطلاح حقوق تجارت اسناد تجارتی، اسنادی هستند که برای پرداخت وجه در رأس موعد نزدیک یا درمدت معین محدود وکوتا بکارمی روند،واین اسناد می توانند متعدد باشند.ولی آنچه مورد بحث ماست آن اسنادی است که برای پرداخت وبه عنوان وسیله پرداخت در اموتجارتی مورد استفاده قرار می گیرند وعبارتند ازبرات،سفته، چک ودر سایر کشورها هم به عنوان اسنادی تجارتی شناخته شده اند. وشایان ذکر است که اسناد تجارتی به معنای عام که شامل بارنامه، قیض انبارو... وبه معنای خاص که شامل برات،سفته و چک می باشند تقسیم شده اند.

اسناد تجاری دارای ویژگی ها هستند، که این ویژگی ها به زمان صدور وپس از آن برمی‌گردند، ویژگی های هنگام صدور عبارت اند از معلوم بودن ارزش سند، وصف شکلی و وصف تنجیزی، باعنایت به پیچدگی‌های روابط امروزی از جمله تجارت که ناظر به بعد مادی زندگی می باشد جایگاه، اهمیت وکاربرد بالای را یافته اند.

ضرورت مبرم تشریح اسناد تجاری در زندگی مردم پیدا است، ولی آنچه در حال حاضر هویدا است این که سطح آگاهی مردم ومراجع مرتبط نسبت به اسناد ضعیف ومردم در هنگام داد وستد آنها دچار اختلافات ومنازعات زیادی هستند، زیرا ویژگی های زمان صدور اسناد تجاری را اکثراً در نظر نمی گیرند، واین امر از یک طرف باعث تراکم کاری دادگاه ها واز سوی دیگر منجر به اتلاف وقت وهزینه های هنگفت مالی طرفین دعوی می شود تا به اکنون در این زمینه تحقیق وپژوهش خاصی که ابعاد مختلف ویژگی های اسناد تجاری را روشن کند در حقوق افغانستان صورت نگرفته است ومردم با آن آشنای کامل ندارند وزوایای مختلف اسناد مزبور در حاله ای از ابهام قرارگرفته است ومشخص نیست که ویژگی های زمان صدور اسناد تجاری چیست؟ آیا نادیده گرفتن این ویژگی ها در زمان صدور عواقب مخرب را در پی خواهد داشت ویا خیر؟

این پژوهش،باروش توصیفی وتحلیلی با رویکرد مقایسه ی وتطبیقی در صدد پاسخ گوی به مسأله فوق ومشابه آن بر آمده، هر چند این مسأله در دانشهای مختلف مانند،فقه، اقتصاد، وبانکداری مطرح شده است، اما محدوده این تحقیق،در محدوده فقه وحقوق است، با استناد به قوانین ومقررات حاکم در حقوق وافغانستان وآرای حقوق دانان وفقها به بررسی تطبیقی ویژگی های زمان صدور اسناد تجاری و جوه اشتراک وافتراق در دونظام حقوقی پرداخته میشود.

**مفهوم شــــناسی**

**1.** **مفهوم سند(Document)**

سند کلمه عربی است وجمع آن، اسناد، سندات واسانید است. (أنیس وغیره، 1392، ص454) این کلمه در اصل عربی بوده واز عربی به فارسی راه پیداکرده است، بنابراین این کلمه را درزبان عربی وفارسی بررسی می نمایم.

سند، در زبان عربی درهمه موارد، به شکل اسناد یا سندات بروزن افعال وفعلات جمع بندی می شود، مگر زمانیکه در اصطلاح علوم القرآن وحدیث به کار رود در این صورت، به شکل اسانید بر وزن افاعیل جمع بندی می شود. دراین صورت،سلسله مراتب یک حدیث را سند گویند ( جعفری لنگرودی، 1393، ص 364). این کلمه در لغت وزبان عربی به حرکات فتحه فاء الفعل وعین الفعل وتنوین لام الفعل اسم بوده وبه معنای: تکیه، پشتی، پشتیبان، سهام بی نام وسند بدهی آمده است (شریفی، 1395،ص 28).

در فارسی «سند که جمع آن اسناد وسندات است- چیزی است که به آن اعتماد کنند ویا نوشته ای است که وام یا طلب کسی را معین کند، یا مطلبی را ثابت نماید» ( عمید، 1375، صص623-624).

در زبان فارسی سند، همیشه به شکل اسناد وبروزن افعال جمع بندی می شود، برای مثال همیشه جمع سند در قانون مدنی وثب اسناد واملاک به " اسناد" می باشد.جمع سند در حقوق تجارت نیز به اسناد نظیر اسناد تجاری یا اسناد بازرگانی تعبیرمی شود.

طبق ماده 1284 قانون مدنی:« سند عبارت است از هرنوشته که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد».چک،برات وسفته نیزچون به صورت کتبی هستند ودرمقام دعوا یا دفاع قابل استناد واستفاده می باشند سند محسوب می شوند (شریفی، همان، ص28).

وبرخی گفته اند سند در لغت اعتبار نامه ویا به آنچه اعتماد کرده شود گفته می شود ودر اصطلاح حقوقی به حیث وسیله اثبات عمل، قرارداد ویا تعهد به کار می رود (ستانکزی وناصح، 1396، ص105).

سند در لغت چیزی که بدان اعتماد کنند. واز لحاظ حقوقی « نوشته ای که دراثبات اعمال حقوقی به کار می رود در صورتی سند است که به وسیله شخص یا اشخاصی که در ایجاد آنها اثر دارند تنظیم شود» (صقری،1388،ج1و2، ص13).

**2. بند دوم: اقسام سند**

قانون مدنی ایران در ماده 1286، اسناد را به دونوع رسمی وعادی تقسیم کرده، وقانون مدنی افغانستان در فقره 1 ماده 991 سند رسمی را ذکر کرده ودر فقره دوم آن سند عرفی( عادی) را بیان کرده است.تمام اسناد یا جز اسناد رسمی محسوب می شوند ویا ز عادی وجهت تفکیک این دو از همدیگر به بیان مفهوم وشاخصه های آنها می پردازیم.

**2-1 رسمی؛**

قانون مدنی درماده 1287 سند رسمی را چنین بیان نموده« اسنادی که در اداره ثبت اسناد واملاک یادفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایرمأ مورین رسمی در حدود صلاحیت آنها برطبق مقررات قانون تنظیم شده باشد رسمی است» مطابق این ماده قانون سندی رسمی سندی است که سه شاخصه داشته باشد: 1- درادره ثبت اسناد واملاک تنظیم شده باشد.2- سند توسط مأموررسمی تنظیم شده باشد. 3- مأمور رسمی در تنظیم سند، تشریفات قانونی را رعایت نموده باشد.

با درنظرداشت سه شرط وشاخصه فوق سند رسمی را می توان چنین تعریف نمود: « سند رسمی عبارت از سندی که توسط مأموران رسمی وبادر نظرداشت تشریفاتی قانونی ترتیب وتنظیم شده باشد، با آن سند رسمی گفته می شود (امامی،1378، ج4، ص67.

قانون مدنی افغانستان درماده 991 در فقره یکم ودوم اسناد را به دو گونه، رسمی وسند عرفی(عادی) تقسیم نموده وهریک را تعریف نموده است.

سند رسمی: ورقی است که مؤظف عمومی یا کارمند خدمات عامه به اساس احکام قانون در حدود صلاحیت خویش آنچه را به حضور شان گزارش می یابد یا اشخاص ذی علاق کسب می کند،درآن درج وثبت کرده، صادر می کند (ستانکزی وناصح، همان، ص105)

**2-2سند عرفی (عادی)**

درخصوص اسناد عادی درقانون تعریف ارائه نشده است، اما با توجه به ماده 1289 ق.م که می گوید: «غیراز اسناد مذکور در ماده ماده 1287 ق.م سایر اسناد عادی هستند می توان گفت که هر نوشته ای که در مقام دعوا یا دفاع قابل استماع باشد وبه وسیله هیچ یک از مقامات مذکور درماده 1287 ق.م ترتیب وتنظیم نشده باشد سند عادی اطلاق می شود» (مهدی پور، کرم الهی، 1389،ص 141).

قسمی که در فوق بیان شد، قانون مدنی افغانستان اسناد را به رسمی وعادی تقسیم نمود، در خصوص تعریف سند عادی چنین بیان می دارد.

سند عرفی( عادی): « هرگاه در چنین سند، اشخاص ذیعلاقه بعد از تحریر معاملات مورد نظر امضا، مهر ونشان انگشت کرده باشند، حیثیت سند عرفر را دارد» (ستانکزی وناصح، همان، ص 105).

از آنچه در خصوص سند عادی بیان شد چنین نتجه گرفته می شود که: سند عادی سندی است در مقام دعوا یادفاع قابل استماع است اما نزد هیچ یکی از مقامات رسمی تنظیم نشده وتشریف سند رسمی را ندارد.

**3.** **اسناد تجاری**

**3-1 تبیین مفهوم اسناد تجاری**

باب سوم قانون تجارت افغانستان وباب چهارم قانون تجارت ایران به مهمترین اسناد تجاری( سفته، چک وبرات) اختصاص یافته است، ودرنظام های مختلف حقوقی در خصوص تعداد این اسناد اختلاف نظر وجود ارد. وقانون گذارایران از جهت اینکه اسناد تجاری متفاوتی وصف تجارتی پیداکرده اند، قصداً از بکار بردن عنوان اسناد تجاری خوداری ورزیده وباب چهارم قانون تجارت را به اسناد تجار مهم (برات، سفته وچک) اختصاص داده است. وقانون گذار فرانسه نیز اسناد تجاری در حقوق فرانسه تحت عنوان (Commerce les effets de) ودر حقوق انگلستان به نام ( Negotiable instruments) صورت می گیرد ودر حقوق کشورهای عربی اکثراً تحت عنوان«الاوراق التجاریه» وگاهی «الاسناد التجاریه» مورد بحث قرارمی گیرند. ودر تألیفات دانشمندان حقوق، بعضاً به جای عبارت « اسناد تجاری» یا « اسناد جانشین پول» «اسناد مالی» نیز استفاده شده است وهمچنان «اوراق تجاری» یا- اسناد بازرگانی» و« اسناد ومدارک تجاری» تعبیر های هستند که دانشمندان حقوق به جای اسناد تجاری مورد استفاده قرار داده اند.

واز مواد 305 و307 وتبصره ماده ماده 244 قانون تجارت ایران اصطلاح اسناد واوراق براتی یا عبارت اسناد تجاری قابل استخراج است (شریفی، همان، صص 30.29). ودر قانون تجارت افغانستان عبارت اسناد تجاری استفاده شده است.

حقوق دانان در خصوص اسناد تجاری تعاریف گوناگون ارائه نموده اند، اما این تعریف ها نسبت به شاخصه جامعیت ومانعیت با اشکالات ونقدهای روبروهستند وقانون گذار تعریف از اسناد ارائه نکرده واین عامل اختلاف حقوق دانان در خصوص تعریف اسناد تجاری است.روی این ملحوظ ارائه تعریف جامع ومانع در خصوص اسناد تجاری دشوار است.

« منظور از اسناد بازرگانی، برات، چک وسایر اسناد تجاری قابل نقل وانتقالی است که در مراودات بازرگانی داخلی وبین المل مهمترین نقش را ایفامی کنند واغلب جایگزین پول می شوند. البته ضمانت نامه بانکی، اعتبار نامه، قبض انبار، بارنامه نیز در زمره اسناد بازرگانی تلقی می گردند، ولی سایر اسناد بازرگانی، مانند: بار نامه وقبض انبار نماینده عین کالا به شمار می آیند، نه نماینده وجه نقد واعتبار؛ وبعضی این اسناد نیز به صرف ظهر نویسی قابل نقل وانتقال نیستند» (نصیری، 1381، ص 198).

حقوق دانان افغانستان نیز دامنه اسناد تجاری را گسترده می دانند واین اسناد را به برات سفته وچک منحصر نه می نمایند، بلکه بدین نظر اند که دنیایی تجارت مملواز اسناد است که تحت عناوین مختلف نظیر قبض انبار، سند در جه حامل، اوراق بهادار، اوراق قرضه، اوراق سهام با نام واسناد اعتباری. ویژگی های مشترک برات سفته وچک سبب شده است این اسناد به اسناد براتی تعبیرنمود (ستانکزی وناصح، همان، ص 104.103).

بادرنظرداشت مطالب فوق اسناد تجاری را به دوبخش تقسیم می نماییم.

**3-1-1 اسناد تجاری به معنای عام**

اسناد تجاری درمعنای عام عبارت از هرسندی است که در مبادلات تجاری، یعنی مبادلات ناشی از اعمال تجاری به کار می رود؛مانند برات، سفته،قبض انبار،اعتبارات اسنادی، چک، اوراق سهام، اوراق قرضه، ضمانت نامه بانکی،سیاهه تجارتی،بارنامه و... (توکلی، 1396، ص225)

دانشمندان فعال در عرصه نظام حقوقی افغانستان در تبیین مفهوم اسناد تجاری به معنای عام چنین بیان داشته اند.

« منظور از اسناد تجاری به معنای عام، هرسندی است که در مبادلات تجاری مورد استفاده قرار گیرد نظیر قبض انبار، سند در جه حامل، اوراق بهادار، اوراق قرضه، اوراق سهام با نام واسناد اعتباری و....» ( محمودی، 1396، ص 94).

**3-1-2 اسناد تجاری به معنای خاص ( اسناد براتی)**

منظوراز اسناد تجاری جانشین پول است که معرف حق دینی حال یا با وعده کوتا مدت هستند سه سند چک، سفته وبرات از مصادیق بارز اسناد تجاری به معنای خاص است که به دلیل کاربرد بسیار آنها در معاملات تجاری ونقش گسترده ای که در افزایش سرعت مبادلات تجاری دارند واجد نظام حقوقی خاصی هستند (توکلی، همان، ص225).

حقوق دانان افغانستان در مفهوم اسناد تجاری به معنای خاص چنین ابراز نظرمی نمایند.

« منظوراز اسناد تجاری به معنای خاص (اسناد براتی) اسنادی هستند که ارزش آنها به پول جاری، در خود شان ذکر شده است ونماینده یک تعهد نقدی اند ودر مدت کوتاهی قابل پرداخت هستند.» (محمودی، پیشین، ص94).

ونیز دانشمندان حقوق در خصوص اسناد تجاری به معنای خاص( اسناد براتی) چنین بیان نموده اند.

سند تجاری به معنای خاص: سندتجاری سند قابل معامله است که معرف طلب به نفع دارنده ی آن با سر رسید کوتاه مدت که معمولاً بین تجار به کار می رود.

دراین تعریف چند قید جهت تعریف اسناد تجاری به معنای خاص ذکر شده است.

**سند قابل معامله:**  اسناد تجاری قابل انتقال هستند، ودارندگان این نوع اسناد می توانند با اجرای معامله ای اسناد مذکور را به اشخاص دیگر منتقل نمایند.چک، سفته،برات قابل انتقال اند ولی اما فاکتور وگواهی مبدا قابل انتقال نمی باشند.

**معرف طلب به نفع دارنده آن:** اسناد تجاری درمعنای خاص، همواره معرف وجه نقد هستند، ودارنده این اسناد طلبکارمحسوب می شود واین اسناد معرف وجه نقد هستند.

**سررسید کوتامدت:** معمولاً سررسید اسناد تجاری به معنای خاص یک سال تا دوسال می باشد وبیشتر از این معمول نمی باشد.

**معمولاً بین تجار به کار می روند:** معمولاً اسناد تجاری بین تجارکاربرد دارند، اما این قید بدین معنا نیست که غیر تجار از این اسناد استفاده کرده نمی توانند، بلکه تجار وغیر تجار می توانند به صدور اسناد مذکور اقدام نمایند.

**4. مفهوم صدور**

در مورد معنا ومفهوم صدور کمتر صحبت به میان آمده وممکن به گونه ای گذرا از آن عبور شده ، حال آنکه حیات سند تجاری وبه دنبال آن تعهدات وحقوقی که از آن ناشی می شود با صدور شروع می شود. بنابراین ارزش تعریف مبرهن می گردد. اما تعریف صدور وابسته به ماهیت آن می باشد، بدین مفهوم که آیا صدور یک واقعه حقوقی است ویا عمل حقوقی یک جانبه ویا درنهایت یک عقد است؟ صدور اسناد در قبال تحویل کالا یا وجه ویا انجام کاری می باشد که این مبنایی ابتدایی وپایه صدور اسناد می باشند. واز جانب دیگر صدور به تنهای عمل مستقل دیگری است. بنابراین در صدور اسناد دوعمل حقوقی وجود دارد که یکی پایه ای ودیگری اسنادی می باشد. ممکن است رابطه پایه ای واصلی جانبین ناشی از عقدی، ایقاع ویا ضمان قهری بوده باشد. مثلاً یک شخص از دیگری از جهت خسارت وارده به ماشین یا فروش آن طلبکار باشد. اولی قهری و دومی قرار دادی است.

در خصوص مفهوم صدور برخی صدو را در برات عقدی لازم ناظر به چگونه گی تنظیم وتحویل سند قلمداد نموده اند. بیان نموده اند که تحریر سند باعث تعهد برای امضاکننده می باشد با شرط اینکه به محال علیه واگذار شده باشد. اما بعضی از حقوق دانان بر این باور اند که معاملات برواتی که بند 8 ماده 2 قانون تجارت ذکر شده بدون در نظرداشت اینکه بین تجار ویا غیر تجار باشد از جمله اعمال تجاری محسوب می شود ونیاز به رضایت دارد. بر اساس آنچه در فوق بیان گردید ونظریه ارجح این است که صدور عقد است، بنابراین صدور سند تجاری عبارت از عملی حقوقی است که صادر کننده اقدام به انعکاس ارارده خود روی سند به حیات بخشی توأم با تسلیم آن به دارنده در مواردی که به نفع غیر صادر می گردد، می نماید ( مرتضوی، 1394، ص50-51).

**بررسی ویژگی های زمان صدور اسناد تجاری در حقوق ایران وافغانستان.**

**1. معلوم بودن ارزش سند**

نخستین ویژگی ای که در زمان صدور اسناد تجاری باید در نظر گرفته شود معلوم بودنارزش سند می باشد. اسناد از جهتی به دو دسته تقسیم می شوند غیر مالی ومالی. اسناد غیر مالی فاقد ارزش مسقیم مالی می باشند، مانند شناس نامه گواهینامه که ارزش آنها در سند قابل انعکاس نیست.

اسناد مالی دارای ارزش مادی هستند مانند سند مالکیت ، اسناد مالی به دو گونه قابل تقسیم می باشند: اسنادی که ارزش آن باملاحظه سند معلوم نمی شود واسنادی که ملاحظه آن ارزش سند را هویدا- می نماید. اسناد تجاری منجمله اسناد هستند، که ملاحظه آن، مبلغ مندرج در آن را معلوم می سازد ومحاکم در رسیدگی به قضایایی مروبوط در تعیین ارزش سند به سند متکی می شوند. بانک هادر پذیرش سند به عنوان وثیقه ضرورتی به ارجاع به کارشناس درتعیین ارش آن وتطبیق بامیزان وام ندارند. به تعبیر دیگر« اسناد براتی» ( چک، سفته وبرات) نقش نذیر پول را دارند، با این تفاوت که باعث سقوط تعهدات بدهکار نخواهند شد ( افتخاری، 1380،ص 38).

درخصوص این شاخصه باید گفت که، ازمضون قانون افغانستان این فهمیده می شود که اسناد را به مالی وغیر مالی تقسیم می نماید، اسناد تجاری را از زمره اسنادی می داند که ارزش مادی دارند، واز قبیل اسنادی تلقی می نماید که ملاحظه آن ارزش سند را آشکار می سازد.در بند 2 ماده 471 قانون تجارت افغانستان معین بودن مبلغ را یکی از شرایط اساسی تلقی نموده است، ومفهوم عکس آن این است که اگر سندی که با ملاحظه آن، مبلغ معین در آن در ج نشده باشد از ماهیت اسناد براتی برخور دار نخواهد شد.

**2. وصف شکلی**

از جمله اصول پذیرفته شده همانا اصل رضایی بودن عقود است.در وقوع عقد نیازی به تشریفات خاصی احساس نمی شودد. در اعمال حقوقی شکل سند از اهمیت چندانی برخور دارنیست، اما آنچه حایز اهمیت اساسی است، ماهیت عقد واصل رضایی بودن آنها می باشد. ولی در اسناد تجاری دقیقاً خلاف این اصل مورد پذیرش واقع شده است. شکل ظاهر سند از ارکان اساسی به شمار می رود؛ تا این حد که عدم رعایت شکل، باعث خروج سند از شمول مقررات خاص اسناد تجاری می گردد.

دانشمندان عرصه علم حقوق منجمله جناب دکتر بهرامی در خصوص وصف تجریدی در اسناد تجاری ابراز می نماید: « در اسناد تجاری شکل وفرم سند دارای اعتبارواهمیت به سزایی است. قانون گذار برای صحت واعتبار اسناد تجاری از نظر شکلی شرایطی را پیش بینی کرده است، اگر سند تجاری فاقد یک یا چند شراط از شرایط کلید بوده باشد، دارنده همچون سند از حق استناد به اصل عدم توجه به ایرادات بر خور دار نخواهد شد. با درنظر داشت مطالب فوق عدم رعایت شرایط شکلی وماهوی در تنظیم سند تجاری ممکن است گاهی باعث خروج سند مذکور ازدسته اسناد تجاری شود» ( تقریرات درس حقوق تجارت کاربردی، کارآموزی قضایی، ص76).

رویه قضایی جمهوری اسلامی ایران ویژ گی فوق را مورد تأکید قرار داده است، برحسب ماده 310 قانون تجارت صدور نوشته از تاجر به عنوان چک، هنگامی چک شمرده می شود واحکام وآثار قانون چک برآن مقرر می شود که صادر کننده در موقع صدور آن ورقه، نزد محال علیه، وجه واعتباری- داشته ومطابق مقررات ترتیب شده باشد والا نوشته از اسناد عادی غیر تجاری به شمار رفته ودر حکم حواله عادی تشخیص مس شود ونمی توان چنین ورقه این را چک رسمی پنداشت تا احکام برات بر حسب ماده 249 ق-ت برآن جاری شود ( رأی تمیزی شماره 1490-13/6/1376 شعبه یک دیوان عالی کشور).

قانون تجارت جمهوری اسلامی ایران به گونه ای صریح در مورد برات؛ در ماده 223 بیان می دارد، برات علاوه برامضاء یا مهر برات دهنده باید حاوی قید کلمه (برات) در روی ورقه، تاریخ تحریر، اسم شخصی که باید برات را پرداخت می کند، مبلغ، تاریخ تأدیه، مکان تأدیه، اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخت می گردد با تصریح براینکه نسخه چندم است. مطابق ماده 225 این قانون تاریخ تحریر ومبلغ برات باید با تمام حروف نوشته شود ودر صورتی که برات شرایط شکلی نوشته شده در ماده 223 را نداشته باشد، بادرنظرداشت ماده 226 این قانون، سند مذکور درماتحت مقررات راجع به بروات تجارتی نخواهد بود.

در خصوص سفته مواد 307 و308 ق- ت بیان می دارد که سفته افزون بر امضاء در بردارنده شرایط ذیل باشد.

الف- تاریخ صدور

ب- مبلغی که باید تأدیه شود

ج- نام گیرنده وجه

د- تاریخ پرداخت

درباره چک، ازمواد 310 تا 313 ق - ت به خوبی دانسته می شود که چک هنگامی تجاری ودر تحت مقررات خاص اسناد تجاری است که افزون بر امضای صادرکننده در بردارنده تاریخ صدور ومبلغ معین ومفید معنای واگذاری وجوه نزد محال علیه به خود ویا دیگری باشد. بادرنظر داشت مطالب فوق هرگاه چک به قصد دیگری غیر از انتقال وجه، بابت تضمین یا امانت یا به صورت وعده دار، مشروط وسفید امضاء صادر شود چک تجارتی به شمار نمی آید.

ماده 223 ق – ت شرایط چندگانه ای را پیش بینی می کند که عدم رعایت آنها منجر به بی اعتباری سند می شود. دلیل تشریفاتی بودن و رعایت نمودن فرم وشکل خاص در سند مزایایی است که برای آن در نظر گرفته شده تادر زمان انجام معامله متعهد بداند که با کدام نوع وچه نوعی از سند مواجه است.نگاشتن واژه چک بر روی برگه مربوطه متعهد را نسبت به حقوق وتکالیف آن آگاه می سازد.ونبود آن ممکن است چک را به حواله تبدیل کند.

مواد 706 لایحه تجارت در خصوص برات، 784 در خصوص سفته و789 در خصوص چک لحاض نمودن شرایط مقرر در این لایحه در خصوص هریک از اسناد مذکور لازم وعدم لحاض نمودن آنها را باعث خروج سند از مقررات مرتبط به سند به حساب می آورند (مرتضوی، همان، ص 8-9).

به گونه ای که قبلاگفته شد رضایت یکی از اصول مسلم وپذیرفته شده است وقانون افغانستان این اصل را مهم تلقی نموده، واز جا نبت دیگر شکل اسناد تجارتی را مهم برشمرده ورعایت شرایط شکلی اسناد تجارتی را از ارکان مهم واساسی آنها قلمداد نموده است، به گونه ای که سندی شرایط شکلی آن لحاظ نشده باشد را از زمره اسناد تجاری محسوب نه نموده وخارج از قلمروی مقررات اسناد تجاری می داند.

قانون تجارت افغانستان در خصوص برات در ماده 471 بیان می دارد برات باید محتویات ذیل را در خود داشته باشد.

الف\_ کلمه برات درمتن برات بهر زبانیکه برات تحریر شده باشد.

ب – امر تأدیه مبلغ معین بلا قید وشرط.

ج \_ اسم مخاطب (تادیه کننده).

د - موعد تأدیه.

ه – محل تأدیه.

ز – اسم شخصیکه در وجه او یا حواله کردش باید تأدیه شود.

ح – محل وتاریخ تحریر.

ط – امضاء صادر کننده برات.

قانون تجارت جمهوری اسلامی افغانستان به گونه ای هویدا در مورد برات؛ در ماده 471 بیان می دارد، برات افزون برامضاء یا مهر صدرکنند برات باید حاوی قید کلمه (برات) در روی ورقه، تاریخ تحریر، اسم شخصی که باید برات را پرداخت می کند، مبلغ، تاریخ تأدیه، مکان تأدیه، اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخت می گردد. مطابق ماده 476 این قانون مبلغ برات باید با حروف وارقام نوشته شود ودر صورتی که برات شرایط شکلی نوشته شده در ماده 471 را نداشته باشد، بادرنظرداشت ماده 472 این قانون، سند مذکور درماتحت مقررات راجع به بروات تجارتی نخواهد بود.

قانون تجارت افغانستان به گونه واضح در مورد حجت( سفته)؛ در ماده 545 شرایط ذیل را لازمی دانسته است.

الف – تحریر کلمه (حجت) برروی سند به هر زبانی که حجت نوشته شده باشد.

ب – تأدیه بلا شرط مبلغ معیین.

ج – موعد تأدیه.

د – محل تأدیه.

ه – اسم شخصیکه تأدیه مبلغ در وجه ویا به امر او می شود.

ز – محل وتاریخ تحریر حجت.

ح – امضاء صادر کننده حجت.

از مواد فوق قانون تجارت افغانستان هویدا می شود که حجت (سفته)؛ افزون برامضاء یا مهر صا درکنند حجت باید حاوی قید کلمه (حجت) در روی ورقه، تاریخ تحریر، مبلغ، تاریخ تأدیه، مکان تأدیه، اسم شخصی که حجت در وجه یا حواله کرد او پرداخت می گردد. در صورتی که حجت شرایط شکلی نوشته شده در ماده 545 را نداشته باشد، بادرنظرداشت ماده 546 این قانون، سند مذکور درماتحت حجت تجاری نخواهد بود. اما بر خی استثنا آتی نیز دارد.

قانون تجارت افغانستان در خصوص چک نیز شرایط ذیل را اساسی تلقی نموده است.

الف – ذکر کلمه چک در متن سند.

ب – امر بلاقید وشرط تأدیه مبلغ.

ج – اسم شخصیکه تأدیه می کند.

د – ذکر محل تأدیه.

ه – قید محل وتاریخ صدور چک.

ز – امضاء شخصیکه چک را صادر می کند.

ماده فوق در خصوص شاخصه شکلی چک مبیین این است، چک باید از لحاظ شکلی دارای امضای صادر کننده مبلغ معین امر به تأدیه بلا قید وشرط مبلغ در سر رسید ویا عند المطالبه در محلی که قبلاً در هنگام صدور چک تعیین شده وهمچنان تاریخ صدور در ورقه چک ذکر شود ودیگر موارد که در ماده فوق بیان شد.

**3. وصف تنجیزی**

تنجیز درلغت به معنای رواکردن، رو گرداندن، آزاد کردن از قید و وا بستگی است. تنجیزدر مقابل تعلیق است. تعلیق بر دونوع می باشد 1- تعلیق در انشاء: یعنی بلاتکلیف بودن انشاء به طوری که قصد انشاء کامل نباشد وکمال آن محتاج به پیدایش عامل دیگری منوط باشد. واین گونه از تعلیق محال است. بنابراین تعلیق در انشاء یعنی وابسته کردن تشکیل وایجاد یک رابطه حقوقی به امر دیگری 2- تعلیق در- منشأ: وابسته کردن آثار مترتب بر یک رابطه حقوقی به امر دیگری. بنابراین تنجیزآنست که هیچ گونه تعلیقی در آن نباشد ( وصف تجریدی وتنجزی چک، انجمن حقوق سراب).

اما در خصوص تعریف وصف تنجیزی در اسناد تجاری باید بیان داشت که، برحسب ماده 184 قانون مدنی ایران، عقد ممکن است مشروط ویا معلق باشد، اما شرط وقید با طبیعت اسناد تجاری وتسریع وتسهیل این اسناد سازگاری ندارد. این وضعیت اسناد تجاری را وصف تنجیزی می گویند ماده 233 قانون تجارت ایران در خصوص وصف تنجیزی بیان می دارد: اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شد برات نکول محسوب می شود.بنابراین می توان وصف تنجیزی در اسناد تجاری را این گونه تعریف نمود: وصف تنجیزی عبارت است از بدون قید وشرط بودن تعهدات پرداخت در اسناد تجاری.

در خصوص وصف تنجیزی در اسناد تجاری در قانون تجارت افغانستان دربند 2 ماده 549 که خصوص چک می باشد بیان شده است: «امر بلا قید وشرط تأدیه مبلغ» یعنی اینکه در خصوص پرداخت وجه ذکر شده درچک بدون قید وشرط باشد.همچنان همین موضوع در خصوص حجت وبرات نیزقابل تطبیق می باشد.

**تحلیل ونتیجه گیری**

مسلماً تحقق حیات سند تجاری وتعهداتی که از اسناد تجاری سرچشمه می گیرد، مرهون آغاز صدور سند تجاری می باشد. اسناتجاری دارای یک سری ویژگی ها هستند که به زمان صدور وبعد از صدور بر میگردند، جهت اینکه سند تجاری حیات پیدا کند وبه گونه یک سند تجاری وارد عرصه داد وستد تجاری شود لازم است که این ویژگی ها در نظرگرفته شوند. تا از پیامدهای ناگوار عدم رعایت آن ویژگی ها در آیند جلوگیری شود، از کلیه مطالب در این پژوهش بیان شده به نتایج زیر دست می یابیم.

الف- اسناد تجاری دارای یک سلسله ویژگی ها هستند که در حقوق ایران وافغانستان به دو دسته تقسیم شده اند، که برخی آنها به زمان صدور وبرخی دیگر به پس از صدور سند تجاری تعلق دارند، اما آنچه حایز اهمیت است رعایت ودر نظرداشت این ویژگی ها در زمان صدور اسناد تجاری می باشد.

ب- ویژگی های زمان صدور اسناد تجاری عبارت از آن سلسله ویژگی های اند در زمان صدور سند باید رعایت شوند، در صوتیکه اطراف سند در زمان صدور این ویژگی ها را نادیده گیرند وبه آنها التفات نه نمایند عواقب ناگواری را در پی خواهد داشت، حتی اینکه عدم رعایت برخی از این ویژگی ها منجر به خروج سند از دایرده اسناد تجاری می شود.

ج- قانون گذار ایران وافغانستان به گونه ای دقیق، بودن ویژگی ها را در زمان صدور سند تجاری لازم دانسته واطراف سند را مکلف بر رعایت آنها نموده است، جهت اینکه از پیامد های نامیمون آن وایجاد خلل در روند کاری اسناد تجاری جلو گیری نماید.

**فهرست منابع**

**الف. کتب**

1. أنیس، ابراهیم، وغیره، 1392، معجم وسیط، ترجمه بندر ریگی، محمد، تهران، نشر اسلامی، چاپ سوم،.

2. افتخاری، جواد، 1380،حقوق تجارت، ج3، انتشارات کیا، چاپ اول،.

3. امامی، سید حسین، 1378، حقوق مدنی،ج4، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ بیستم.

4. توکلی، مهدی،1396، مختصر حقوق تجارت وقوانین مرتبط، تهران، نشریه مکتوب اخر، چاپ نهم.

5. جعفری، لنگرودی، محمد جعفر،1393، وسیط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ پنجم.

6. ستانکزی، نصرالله وناصح، ولی محمد، 1396، حقوق تجارت، کابل، انتشارات سعید، چاپ ششم.

7. شریفی، علیرضا،1395، اصول وقواعد حاکم بر اسناد تجاری،تهران، انتشارات دادگستر، چاپ اول.

8. صقری، دکتر محمد، 1388، حقوق بازرگانی( اسناد)، ج 1 و2، تهران، انتشارت شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.

9. عمید، حسن، 1375، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم.

10. محمودی، میر احمدفایز، 1396، حقوق تجارت، کابل، انتشارات حامد رسالت، چاپ دوم.

11. مهدی پور، محمد اکرم و کرم الهی ، حدیث،1389، حقوق تجارت وبازرگانی، تهران، انتشارات مجد، چاپ سوم.

12. مرتضوی، دکتر عبد الحمید، 1394، قواعد عمومی اسناد تجای( بانگاه به لایحه قانون تجارت سال 1391)، تهران، انتشارات جاودانه، جنگل، چاپ دوم.

13. نصیری، مرتضی،1381، حقوق تجارت بین الملی در نظام حقوقی ایران، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.

**ب. قوانین**

1. قانون تجارت ایران ،1311

2. لایحه تجارت، مصوب کمیسیون قضایی مجلس ایران، 1393.

**3.** قانون تجارت افغانستان ، 1343

4. قانو اسناد قابل معامله،1387.

1. **. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی جامعه المصطفی العالمیه** [↑](#footnote-ref-1)